



«مدیر مدرسه» سریال می‌شود

سیمافیلِم قصد دارد سریالی بر اساس رمان «مدیر مدرسه» بسازد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، بر اساس شنیده‌ها، تلویزیون پس از سال‌ها انفعال بالاخره به سراغ اقتباس از کتاب‌های نویسندگان بزرگ معاصر رفت و قصد دارد سریالی با اقتباس از رمان «مدیر مدرسه» جلال آل‌احمد بسازد. گویا نوشتن فیلمنامه این سریال به ایستگاه پایانی رسیده و به‌زودی وارد مراحل تولید در مرکز سیمافیلِم خواهد شد. تولید این اثر در راستای سیاست جدید سیمافیلِم برای ساخت مجموعه‌های اقتباسی از آثار فاخر ادبیات ایران انجام می‌شود. رویکردی که با هدف بهره‌گیری از گنجینه ادبیات فارسی و تبدیل آن به آثار نمایشی ماندگار دنبال می‌شود. آل‌احمد رمان «مدیر مدرسه» را در سال ۱۳۳۷ نوشت و با نثر ساده و موج‌خود، اجزاهای پیش‌امده برای مدیر یک مدرسه را روایت می‌کند. به گفته بسیاری از منتقدان ادبی، «مدیر مدرسه» جزو بهترین کتاب‌های جلال آل‌احمد به حساب می‌آید و روایتگر چالش‌های نظام آموزشی و مسائل اجتماعی از نگاه این نویسنده است.



«آسباد» روایتی از سیستان

در قاب تلویزیون

سریال «آسباد» به کارگردانی محمدرضا معینی، تازه‌ترین محصول مرکز سیمافیلِم، روایتی نوسازی از فرهنگ، زندگی و حال‌وهوای مردم سیستان و بلوچستان است. قصه «آسباد» از روستای ملک‌آباد در سیستان و بلوچستان آغاز می‌شود و تلاش دارد با تکیه بر ظرفیت‌های بومی، جغرافیا، فرهنگ و سبک زندگی مردم این منطقه، تصویری متفاوت و کمتر دیده‌شده از سیستان را به قاب تلویزیون بیاورد. «آسباد» با محوریت یک قصه داستانی و در بستر زندگی مردم منطقه، مخاطب را با فضای اجتماعی و فرهنگی سیستان همراه می‌کند و تلاش دارد ظرفیت‌های این منطقه را از زاویه‌ای تازه به تصویر بکشد. این سریال اکنون مراحل فنی را پشت سر می‌گذارد و برای پخش از تلویزیون آماده می‌شود.



«سبیل السلطنه» به سنگ‌لی می‌آید

نمایش کم‌دی «سبیل السلطنه» نوشته و کارگردانی مهدی ملکی، از دوشنبه ۲۶ مرداد ساعت ۱۹:۳۰اجرای عمومی خود را در تماشاخانه سنگ‌لی آغاز می‌کند. نمایش «سبیل السلطنه» ماجرای یک قتل اسرارآمیز در دربار ناصرالدین‌شاه را در فضای کم‌دی- فانتزی و با استفاده از شیوه‌های نمایش ایرانی به نمایش می‌گذارد. در این نمایش هنرمندانی همچون سالار کریم‌خانی، سید محسن میرهاشمی، علیرضا (نیما) قربان‌زاده، مهدی ملکی، نیما ثبوتی، محمد شادپور، محسن جهانگیرزاده، غزال مهران‌فر، فرینا احمدوند، شیوا کوشکسانی، لیلا فیروزمند، شیرین رحیمی، صحرار مزروعی، نسترن دهکانی‌پور، امیر ضابط‌پوریان، رامین عابدی، زهره گرم‌خورانی و رضا احسانی به ایفای نقش می‌پردازند. پیش‌فروش سه روز اول اجرای این نمایش در سایت‌های تیوال و گیشه تئاتر همراه با تخفیف ویژه روزهای نخست فعال شده است. نمایش «سبیل السلطنه» از ۲۶ مرداد ساعت ۱۹:۳۰ میزبان علاقه‌مندان است.

پخش «موسی» و «سلمان فارسی» به پایان سال می‌رسد؟

رئیس سیمافیلِم از امیدواری برای پخش سریال‌های «موسی کلیم‌الله» و «سلمان فارسی» تا پایان سال خبر داد. مهدی نقویان، رئیس سیمافیلِم، درباره زمان پخش سریال‌های الف و یزه سازمان به مهر گفت: بنا بود سریال «موسی کلیم‌الله» و «سلمان فارسی» هر دو امسال به پخش برسند، اما دو جنگ تحمیلی که رخ داد، همه برنامه‌ریزی‌های کشور، از جمله برنامه‌ریزی‌های تلویزیون و آنتن را تحت تأثیر قرار داد. هم بنای تیم تولید و هم سیاست مدیریتی سازمان این بود که مواجۀ برطرف شود و آثار امسال رتی آنی بروند. البته هنوز ناامید نیستیم و اگر شرایط به روال طبیعی پیش برود، امیدواریم این آثار تا اواخر سال به پخش برسند.

نقویان با اشاره به سریال‌های مرتبط با جنگ گفت: فصل دوم «سرو، سپید، سرخ» اکنون در حال فیلمبرداری است. بار دیگر از کارگردانان حرفه‌ای و نام‌آور بهره گرفته شده و در عین حال از کارگردانان باتجربه قبلی این مجموعه نیز بهره برده‌ام.

وی ادامه داد: این مجموعه مورد توجه بسیاری



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز مدیر مسئول: محمدجواد اخوان سردبیر: غلامرضا صادقیان آدرس: تهران، خیابان بهیقی کوچه شهیداکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸ روابط عمومی: ۰۶۰-۸۸۵۲۳۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶ توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۰۹۴۲-۸۸۷۳۰ چاپ: همشهری Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۶۶۶ | یکشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵ | ۲۵ صفر ۱۴۴۸ | اذان ظهر ۱۲:۱۰ | غروب آفتاب ۱۹:۰۱ | اذان مغرب ۱۹:۲۰ | نیمه شب شرعی ۲۲:۲۲ | اذان صبح فردا ۳:۴۵ | طلوع آفتاب فردا ۵:۱۹ |

آغاز جشنواره نمایش عروسکی «مبارک»

کارگردان امریکایی نمایش‌های عروسکی یادشدهای میناب را گرامی داشت



بیست‌ویکمین جشنواره نمایش عروسکی تهران-مبارک با هم‌راهی جمعی از هنرمندان و فعالان عرصه نمایش عروسکی، جمعه شانزدهم مرداد در سالن سینماتک موزه هنرهای معاصر فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. به گزارش «جوان»، پوپک عظیم‌پور، دبیر جشنواره، در ابتدای مراسم با اشاره به دریافت دو اثر ویژه از شومان درباره شهید میناب و خبرنگاران شهید غزه، را نه یک حضور رسمی در بخش مهمان، بلکه هدیه‌ای ارزشمند و کنشی برخاسته از تعهد دیرینه گروه «تان و عروسک» معرفی کرد.

عظیم‌پور با اشاره به دو دهه همکاری مستمر در حوزه پژوهش با شومان گفت: «در شرایطی که سایه جنگ بر جهان افکنده شده، پیتر شومان دواپیژود را به‌طور ویژه آماده کرده و به جشنواره تهران-مبارک تقدیم کرده است، آثاری که یکی به کودکان میناب و دیگری به روزنامه‌نگارانی که در غزه به شهادت رسیده‌اند، تقدیم شده است.

این آثار نشان می‌دهد که نمایش عروسکی تنها یک ابزار سرگرمی نیست؛ بلکه قیام آدمی علیه خود و بی‌عدالتی است.»

او با بیان اینکه خلق هنر تحت هر شرایطی راهی برای فرار از اضطراب هستی است، افزود: «این فیلم‌ها نمایانگر نحوه تلقی شومان نسبت به هستی و مسئولیت انسانی است و پیتر شومان ۹۲ ساله با این آثار بار دیگر ثابت کر که هنر، زبانی فرامگانی و فرامانی برای اعتراض به ظلم است.»

پس از این مقدمه، حاضران در سالن به تماشای این دو فیلم-تئاتر نشستند؛ آثاری که با زبانی شاعرانه و نمادین، ابعاد گوناگون رنج‌بشری را به تصویر می‌کشیدند. در پایان این نمایش، بیانیۀ پیتر شومان که گویی امتداد همان هنرنامۀ تئاتری‌اش بود، قرائت شد؛ متنی که در آن این پیشکسوت تئاتر عروسکی، پرسش‌های بنیادین انسانی را پیش پای مخاطبانش قرار داد: آیا ما در برابر تمدن غیرانسانی و سیستماتیک حاکم، مسئولیم یا بی‌مسئولیت؟ وقتی هر ساعت شاهد کشتار روزمره مادران و کودکان هستیم، کجاییم؟ ما کجاییم؟ فریاد جمعی و ناامیدی ما در کجاست؟ ما که با تصور زیستن و بالیدن به عنوان فرزندان خاک، برای بقا می‌کوشیم و از روح و جسمی باشکوه و زیبایی‌هایمبگنی‌مان عزت می‌جوییم، در حالی‌س نظاره‌گریم که نمی‌توانیم روح بخورده این سیستم غیرانسانی

پخش «موسی» و «سلمان فارسی» به پایان سال می‌رسد؟



از نهادهای رسانه‌ها قرار گرفته است؛ برای مثال، شهرداری، فراجا و مجموعه‌های مختلف سفارش داده‌اند که برای آنها نیز «سرو، سپید، سرخ» ساخته شود. بنا داریم این مجموعه یک کار عمومی و سراسری باشد و «سرو، سپید، سرخ» حداقل به صورت هفتگی ادامه پیدا کند.

امام علی علیه‌السلام:

آن که منکر را با قلب و دست و زبانش انکار نکند، مرده‌ای است میان زندگان.

تهذیب الاحکام، ج ۶ ص ۱۸۱

آغاز جشنواره نمایش عروسکی «مبارک»

کارگردان امریکایی نمایش‌های عروسکی یادشدهای میناب را گرامی داشت

شباهت بسیاری به شیوه‌های سنتی اجرا دارد. یکی از جنبه‌های بنیادین کار او، بیانیه سال ۱۹۸۹ با عنوان هنر ارزان است. شومان معتقد است هنر متعلق به بانک‌ها و سرمایه‌گذاران متظاهر نیست؛ هنر مانند غذاست که هر چند نمی‌توان آن را خورد اما روح انسان را سیر می‌کند؛ بنابراین هنر باید ارزان و در دسترس همه باشد.»

جان بل با تأکید بر جنبه‌های سیاسی آثار شومان بیان کرد: «او در تمام این سال‌ها از تئاتر به عنوان سلاحی علیه جنگ و سرکوب استفاده کرده است. آثار او همواره در واکنش به جنگ‌های آمریکا در ویتنام، امریکای مرکزی، اوکراین و فلسطین بوده و جالب آنکه او از معدود هنرمندان امریکایی است که در آثار اخیر خود به مسئله جنگ در ایران و فلسطین پرداخته است.»

او در پایان گفت: «شومان در پروژه سیرک دنیای وارونه ۲۰۲۶ با این نکته تأکید دارد که ما باید وضعیت وارونه بشریت را در مواجهه با دروغ‌های فاسد دولت‌ها آشکار کنیم. او معتقد است سیرک و ناامیدی اجتماعی باید با فعالیت‌های انقلابی و ارکسترهای هنری جایگزین شود؛ فعالیت‌هایی که در تقابل مستقیم با سیستم‌های ایدئالک و غیرانسانی قرار دارند.»

حمیدرضا دلان، مدرس و کارگردان تئاتر عروسکی، دیگر سخنران این مراسم بود. اردلان با اشاره به ماهیت سسهل و ممتنع آثار شومان گفت: «وقتی شما به این فیلم-تئاترهای شومان درباره فاجعه میناب و شهادت خبرنگاران در غزه نگاه می‌کنید، در ظاهر امر بسیار ساده و در عین حال پیچیده به نظر می‌رسد. هر کسی در این جهان می‌تواند کاری را که امروز در این جاده، دیگر یک زیرساخت عمرانی نیست؛ بلکه ابزاری برای انباشت معنا، دیالوگ با تاریخ و تجربه مواجهه بی‌واسطه با حقیقت است. حرکت از آستانه نجف به عنوان مظهر حکمت ولایت و حرکت به سوی کربلا به عنوان تجلی گاه شهادت فراموش کرده‌ام.»

این هنرمند با تحلیل رویکرد پیتر شومان افزود: «پیتر شومان در این آثار تمام سعی‌اش این است که بگوید جنگ و طبیعت، امری بدیهی است و تمام انسان‌ها پتانسیل اجرای تئاتر را دارند. اگر می‌بینیم که هر کسی می‌تواند در این تئاترها حاضر باشد به این دلیل است که شومان در مسیر هنری خود، تمام آن عناصر آموزشی مزاحم را که سده‌ها رسیدن به امر بدیهی حقیقی بی‌پای‌بند بودند، داوطلبانه کنار گذاشته است. او از رقص، آواز و نوازندگی عبور کرده تا به بیانی خالص برسد.»

پوپک عظیم‌پور بار دیگر روی صحنه حضور پیدا کرد و با اشاره به رویکرد این دوره از جشنواره افزود: «ما در این دوره بر آنیم تا با کمک عروسک‌های مان، صحنه تئاتر را به مکانی برای پاسداشت زندگی، صلح و رویاهای ناتمام کودکان که با عنوان خیال‌نامه میناب نامگذاری شده است، تبدیل کنیم. بر همین اساس، جشنواره به آثاری که با زبانی شاعرانه و نمادین، ابعاد گوناگون جنگ را مورد توجه قرار داده و قدرت بی‌پای‌بند نمایش عروسکی را در التیام زخماها، فریاد حقیقت و زمره صلح به تصویر می‌کشند، توجه ویژه‌ای خواهد داشت.»

پیاده‌روی اربعین نه صرفاً یک پیمایش جغرافیایی، بلکه گسست از غبار تن، اشتداد عطش وجودی و سیر در میدان مغناطیسی امر قدسی است. در ادبیات تحلیلی و پدیدارشناسانه مناسک دین‌ورزی، پیمایش مکان همواره کارکردی فراتر از یک جابه‌جایی ساده فیزیکی داشته‌است. اما آنچه در «طریق نجف به کربلا» رخ می‌دهد، فراتر از الگوهای سنتی زیارت است؛ این مسیر، بازآفرینی عینی مفهوم «طریق الی‌الله» و تجسم زمینی سیره‌سوی عرش است.

وقتی جغرافیا به لاهوت تبدیل می‌شود

راهپیمایی اربعین، جغرافیای خاکی عراق را به یک «هتن لاهوتی» تبدیل می‌کند که در آن هر قدم، نه حسایی بر متر و کیلومتر، بلکه گامی در جهت تقرب به مقام عرشی انسان کامل است. زائر در این طریق، با گام برداشتن بر روی خاک، در واقع در حال طی کردن مراتب وجودی خویش است. این مسیر، زائر را از یک زیارت عمرانی نیست؛ بلکه ابزاری برای انباشت معنا، دیالوگ با تاریخ و تجربه مواجهه بی‌واسطه با حقیقت است. حرکت از آستانه نجف به عنوان مظهر حکمت ولایت و حرکت به سوی کربلا به عنوان تجلی گاه شهادت فراموش کرده‌ام.»



و عشق، ترسیم‌کننده افقی است که در آن «خاک» به «عرش» پیوند می‌خورد و زائر درمی‌یابد که مقصد، نه فقط یک نقطه جغرافیایی بر روی نقشه، بلکه آستانه عرش الهی و لاهوت مطلق است. نجف (مظهر حکمت و ولایت) طریق اربعین (اسلخ از تن) کربلا (عرش معشوق و نقطه گرایش)، واسازی «خود مادی» در کور راه انسلخ انسان معاصر، محصور در پیله تعین‌های مادی، «خود اصیل»-خویش-از زیر خروارها غبار تعلقات، عناوین زیست‌شناسختی، موقعیت‌های طبقاتی و سساختارهای سخت روزمرگی گم کرده است. پیاده‌روی اربعین به مثابه یک «فرآیند واسازی» و انسلاخ وجودی عمل می‌کند.

وقتی پا در این مسیر می‌گذاری، اولین قطره‌های عرق و اولین ناول‌های پا، آغاز فروپاشی امپراتوری تن است. «غبار است» که همان سنگینی ایگو، خودخواهی‌ها و وابستگی‌های ناسوتی است، در اثر سسایش قدم‌ها بر آسفالت داغ جاده، اندک‌اندک فرو می‌ریزد. در این مناسک عظیم، حجاب‌های اعتباری رنگ می‌بازند؛ دیگر مهم نیست چه کسی استاد دانشگاه است، چه کسی کارگر، چه کسی ثروتمند و چه کسی تهی‌دست. جسم به عنوان مرکوبی فرسوده به حاشیه می‌ود و «روح» به عنوان فاعل اصلی سلوک، عریان و سبک‌بال نمایان می‌شود. این خروج از غبار تن، شرط لازم برای ورود به حریم معشوق است؛ چراکه تا انسان از منیت و کالبد مادی خود هجرت نکند، توان بارور شدن در فضای قدسی را نخواهد داشت.

«دیالکتیک «عطش» و «سیرابی»؛ پارادوکس اشتیاق در سیر الی‌المعشوق در منطق طبیعی و تجربه زیسته مادی، نوشیدن آب پاسخ نهایی به نیاز عطش است و نقطه پایانی بر سوزش حنجره می‌گذارد. اما در جغرافیا، لاهوت اربعین، با یک پارادوکس معرفت‌شناسختی و عرفانی مواجه می‌شویم: «دیالکتیک عطش فراینده.»

در طریق اربعین، هر چه زائر بیشتر از چشمه محبت حسین



«اربعین» یک ابررسانه در روزگار فردگرایی است

(ع) می‌نوشد و هر چه قدم‌های بیشتری به سوی حرم برمی‌دارد، نه تنها سیراب نمی‌شود، بلکه عطش او چند برابر می‌شود. این عطش، از جنس تشنگی مادی نیست؛ بلکه یک «عطش وجودی» است؛ اشتیاقی سوزان برای اتصال به منبع نور و فنادر حقیقت معشوق. امام حسین (ع) در این معادله، چشمه‌ای است که آشامیدن از آن، آتش شوق را شعله‌ورتر می‌سازد. زائر در طول مسیر درمی‌یابد که زیارت، فرایندی دارای نقطه ختام نیست؛ بلکه جریانی مداوم از «خواستن» و «شتافتن» و «عمیق‌تر شدن سوز رونی» است. این عطش فرزانده، همان سوخت موتور حرکتی انسان به سوی کمال بی‌نهایت است.

■ **میدان گرائش حسینی؛ جامعه‌شناسی امر قدسی در عصر انقطاع**

اگر از منظر جامعه‌شناسی ادیان و تحلیل رسانه‌ای به پدیده اربعین بنگریم، با یک «بر پدیده» مواجه می‌شویم که تمام نظریه‌های کلاسیک نوسازی و سکولارشدن را به چالش می‌کشد. در دنیایی که انقطاع معنوی، فردگرایی افراطی و بحران معنا بر آن حاکم است، میلیون‌ها انسان با تنوع‌های شگفت‌انگیز قومی، زبانی، فرهنگی و طبقاتی، گرد یک



مرکز ثقل واحد جمع می‌شوند: «جاذبه عشق حسینی.» این جاذبه، مانند یک میدان گرائش عظیم کیهانی، تمام ذرات پراکنده انسانی را به سوی خود می‌کشد. در این میدان؛ ایثار جایگزین تبادل سرمایه‌دارانه می‌شود؛ خادمان موعب‌ها بدون هیچ چشم‌داشت مادی، تمام دارایی خود را خاضعانه پیش پای زائران می‌ریزند. هویت‌های خرد در هویت کلان حل می‌شوند؛ مرزهای ملیتی (ایرانی، عراقی، افغانی، اروپایی و...) فرو می‌ریزد و یک «امت فراملی» شکل می‌گیرد. زیباشناسی خدمت متولد می‌شود؛ بست‌ترین کارهای فیزیکی (مانند شستن پای زائران) به عالی‌ترین تجلی کرامت انسانی تبدیل می‌شود.

این جاذبه، نه نشان‌دهنده آن است که عشق حسینی یک خاطره تاریخی متغزل نیست، بلکه یک «نیروی فعال تاریخی» و رسانه‌ای زنده است که توانایی بازپیکربندی مناسبات انسانی و اجتماعی را داراست.

■ **اربعین به مثابه رسانه زنده معنویت؛ بازسازی انسان در افاق عرش**

در عصر فرامصرف‌گرایی و سیطره رسانه‌های دیجیتال که انسان‌ها را در حباب‌های انزوا محبوس کرده‌اند، اربعین یک «رسانه جسمانی‌شده» و «رسانه جامعه» است. پیام این رسانه با کلمات مخابر نمی‌شود، بلکه با «قدم‌ها»، «شک‌ها»، «تاول‌ها» و «سکوت‌های پر از معنا» به جهان مخابره می‌گردد.

اربعین به انسان مدرن یادآوری می‌کند که راه نجات از پوچی و خستگی وجودی، بازگشت به سمت عرش و تن دادن به جاذبه معشوق است. ما در طریق اربعین، خروج از غبار تن را تجربه می‌کنیم تا یاد بگیریم چگونه در زندگی روزمره نیز بندگانیه تعلقات مادی را بگسلیم. این راه، تمرین زیستن در افاق عرش است؛ راهی که در آن ماییم و گرائش بی‌انتهای عشق حسین (ع)، راهی که نقطه پایان آن، نه رسیدن به یک شریخ، بلکه تولد دوباره انسان در آغوش حقیقت است.